



انتشارات، شماره ۴۲۹

نوگرایی در شعر معاصر عرب

تالیف:

دکتر خلیل ذیاب ابوجهجه

ترجمه:

محمد باقر حسینی - ملیحه سادات طوسی

Abu Jahjah, Khalil Zayyab

ابوجهجه، خلیل ذیاب

نوگرایی در شعر معاصر عرب / خلیل ذیاب ابوجهجه، ترجمه محمد باقر حسینی، ملیحه سادات طوسی. - مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴.

۲۶۲ ص. - (انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد: شماره ۴۲۹)

ISBN: 964-386-080-9

عنوان اصلی: المحادثة الشعرية العربية بين الابداع والتنظير و النقد (۱۹۲۰-۱۹۷۰).

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. نقد - کشورهای عربی - تاریخ. ۲. شعر عرب - قرن ۲۰ م. - تاریخ و نقد.
۳. تجدیدگرایی (ادبیات) - کشورهای عربی، الف. حسینی، محمد باقر، ۱۳۳۳ - ، مترجم. ب. طوسی، ملیحه السادات، ۱۳۵۶ - ، مترجم. ج. دانشگاه فردوسی مشهد. د. عنوان.

۸۹۲/۷۱۶۰۹

PN ۹۹ / الف ۲۳۰۴۱

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران

۸۴-۱۱۰۲۵ م



انتشارات، شماره ۴۲۹

نوگرایی در شعر معاصر عرب

تألیف

دکتر خلیل ذیاب ابوجهجه

ترجمه

محمد باقر حسینی - ملیحه سادات طوسی

ویراستار علمی

دکتر عباس عرب

وزیری، ۲۶۲ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴

امور فنی و چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۱	درآمد
	اصول این تحقیق (۱۲)، نگاهی به منابع و مراجع (۱۵)
۱۷	مقدمه
	مفهوم نوگرایی و انواع آن (۱۸)، نوگرایی شعری و ابعاد ملی و جهانی (۲۰)
۲۶	بخش اول
۲۷	فصل اول
	اصول نوگرایی شعری و منابع آن
	نقد عربی قدیم و مسأله نوگرایی
	مقدمه (۲۷)، مبادی و اصول نوگرایی در بینش نقدعربی قدیم نسبت به شعر (۲۸)، مخالفت با قدیم؛ علل و فرآیندهای آن، طرفداران و مخالفان (۳۰)، تصویری از قضایای نوگرایی شعر در نقدعربی قدیم (۳۴)، نوگرایی و قصیده قدیم عرب (۳۷)، نوگرایی و وزن و قافیه (۳۸)، ساخت شعری (۴۰)، وضوح و غموض (۴۱)، صدف و کذب (۴۳)، شعر و علم و فلسفه (۴۳)، شعر و خواننده (۴۴)، سرقتهای شعری (۴۴)، ساختار شعری از دیدگاه قدما و نوپردازان (۴۵)، نتیجه و ارزیابی (۴۷)
۵۰	فصل دوم
	اشکال نوگرایی شعر عرب قبل از سال (۱۹۲۰ م)
	چشم اندازهای حیات ادبی عرب قبل از سال (۱۹۲۰ م) (۵۱)

الف - تشخیص و تعریف شعر و تفاوت آن با نثر (۵۳)، ب - جایگاه وزن و قافیه (۵۶)، ج - ساختمان قصیده (۵۸)، د - مباحث نقدی شتابنده (۵۹)، نتیجه و ارزیابی (۶۰)

۶۱	بخش دوم	نوگرایی شعر عرب از زوایای ابداع و نظریه پردازی و نقد (۱۹۲۰-۱۹۷۰)
۶۳		مقدمه
۶۷	فصل اول	قدیم و جدید
۷۲	فصل دوم	شعر چیست؟
		الف - تشخیص و تعریف شعر (۷۵)، درآمد (۷۵)، تشخیص شعر (۷۶)، تعریف شعر (۸۰)، ب - مسأله وزن و قافیه، دیدگاهها (۹۷)، ج - نثر شعری و قصیده مثنور (۱۰۴)، تفاوت شعر با نثر (۱۰۴)، نثر شعری (۱۰۷)، شعر مثنور و ظهور قصیده مثنور از زاویه ابداع و نقد (۱۰۸)، الف - تفاوت شعر و قصیده (۱۱۲)، ب - آیا ممکن است از نثر، قصیده بسازیم؟ (۱۱۳)، ج - ماهیت قصیده مثنور و عناصر آن (۱۱۳)، د - آزادی قصیده مثنور و آزادی شاعر آن (۱۱۴)، د - نگاهی تازه به موسیقی شعر (۱۱۶)
۱۱۸	فصل سوم	تعریف قصیده، وحدت عضوی در قصیده
۱۱۹		نقد قصیده
		الف - تعریف قصیده (۱۱۹)، ب - وحدت عضوی در قصیده (۱۲۲)
۱۳۱	فصل چهارم	تجربه‌ی شعری
۱۳۳		تجربه‌ی شعری
		مقدمه (۱۳۳)، الف - شناخت تجربه شعری و عناصر آن (۱۳۴)، ب - اصول تجربه شعری یا مصادر آن (۱۴۱)، ج - صداقت هنری (۱۴۸)، د - شعر و خواننده (۱۵۲).

۱۶۰	تصور و دیدگاه در شعر	فصل پنجم
۱۶۱	تصور و دیدگاه در شعر	
	مقدمه (۱۶۱)، الف- تصور (رؤیا) (۱۶۴)، ب- دیدگاه (موضوع) (۱۶۷)، نگاه نقد ایدئولوژیک لبنان نسبت به دیدگاه (موضوع) (۱۷۳).	
۱۸۰	زبان شعری	فصل ششم
۱۸۱	زبان شعری	
	مقدمه (۱۸۱)، الف- زبان شعری، تعریف و اهمیت آن (۱۸۳)، ۱- جایگاه زبان ادبی و اهمیت آن (۱۸۵)، ۲- ماهیت ابتکار لغوی و انواع آن در شعر (۱۸۷)، ۳- پدیده های القایی و الهامی در شعر (۱۸۹)، ب- مجاز و تصویر شعری (۱۹۱)، ۱- نگاهی متفاوت به مجاز (۱۹۲)، ۲- خیال شعری (۱۹۲)، ۳- تصویر شعری (۱۹۴)، ۴- ارتباط مجاز با تصویر شعری (۱۹۸)، ج- ساختار رمز (نماد) و اسطوره (۱۹۹)، ۱- تعریف رمز (نماد) و انواع آن و رابطه آن با تصویر شعری (۲۰۰)، ۲- نقش اسطوره و ابعاد و مصادر آن (۲۰۱)، نقد تطبیقی جدید ساختار رمز و اسطوره (۲۰۲)	
۲۰۶	شیوه نقد ادبی و وظایف آن	فصل هفتم
۲۰۷	شیوه نقد ادبی و وظایف آن	
	مقدمه (۲۰۷)، گرایشهای دیدگاه نقد نسبت به شیوه نقد و وظایف آن (۲۰۷)، الف- نقد غیر ایدئولوژیک (۲۰۸)، ۱- مفهوم نقد (۲۰۹)، ۲- صفات منتقد و نقد (۲۱۰)، ۳- وظایف نقد (۲۱۱)، ب- نقد اصولی ایدئولوژیک (۲۱۵)، ج- نقادی که به نظریه فلسفی مشخص وابسته نیست (۲۲۱).	
۲۲۴	پیوند با پیشینه فرهنگ و جهان، به خصوص با غرب	فصل هشتم
۲۲۵	پیوند با پیشینه فرهنگ و جهان، به خصوص با غرب	
	الف- پیوند با فرهنگ (۲۲۵)، ب- پیوند با جهان، به خصوص	

با غرب (۲۳۰)، ج- اثرپذیری ادبیات از میراث فرهنگی و عوامل
بیگانه (۲۳۲)

۲۳۷

نتیجه و ارزیابی

ارزیابی دیدگاه نقدی لبنان نسبت به نوگرایی شعر عرب و
برداشت نتایج آن (۲۳۷)

۲۲۹

فهرست منابع و مراجع

مقدمه مترجم

تحقیق و تفحص در ابعاد زندگی بشر، از گذشته تا به حال، ضمن آن که عبرت آمیز است، ما را با راهکارهای جدیدی آشنا می‌سازد، تا از طریق آنها بتوانیم در جهت اصلاح ملت و ایجاد محیط رفاه، سلامت و پیشرفت برای ایشان، گامهایی اساسی برداریم و زمینه را برای حرکت آیندگان به جانب افقی روشن و امیدوارکننده، آماده‌تر سازیم. بنابراین، محقق برای رسیدن به این مهم، راهی جز شناخت دقیق فرهنگ یک ملت، که ریشه در همه ابعاد دیگر انسانی دارد، نخواهد داشت.

ادبیات نیز، شعبه‌ای از فرهنگ یک قوم است، که همراه سیر تحولات سیاسی، اجتماعی و تاریخی آن قوم، فراز و نشیبها را، یکی پس از دیگری درمی‌نوردد و از درد و بیماری و صحت و سلامتی، غم و شادی، نومیدی و غرور، جهل و درایت، رکود و حرکت... آنان می‌گوید و ما را با عوامل، اسباب، چالشها و تغییرات احوال ایشان در طول قرون گذشته آشنا می‌سازد. بنابراین، از طریق ادبیات، می‌توان با عوامل مؤثر در پیشرفت و ترقی و یا انحطاط و عقب ماندگی یک ملت آشنا شد.

اثر حاضر، اگرچه به صورت مستقیم، در صدد بررسی روانشناسی و جامعه‌شناسی شعر نیست، اما در کنار بحث نوگرایی شعر، به سیر تحولات آن، از سالهای قبل از اسلام تا اواخر قرن بیستم (۱۹۷۰م) می‌پردازد، و آن را در دو بعد قالب و محتوا، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد؛ ضمن آن که در ادامه بحث و توضیح هر یک از دوره‌های سیاسی- ادبی، به تعدادی از شاعران برجسته آن عهد نیز، اشاره می‌کند. لازم به ذکر است که نوگرایی مورد بحث در این کتاب - همانگونه که اشاره شد - تنها به سیر تحولات شعر می‌پردازد و از ورود به مباحث و موضوعات نثر، به طور کلی، خودداری نموده است.

در پایان، بر خود واجب می‌دانیم از توجه و دقت نظر خانم دکتر نجمه رجایی، استاد محترم دانشگاه فردوسی، که در انتخاب کتاب حاضر، ما را مساعده کرده و باراهنمایهای عالمانه خویش در زمینه ادبیات معاصر عرب و توضیح اصطلاحات مبهم، در این آغازین حرکت، ما را راهگشا بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نماییم. همچنین، از سرپرست وقت گروه عربی و رئیس فعلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، جناب آقای دکتر جعفری، که در انتخاب بخشی از این اثر به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد ما را همراهی کرده، تسهیلات لازم را فراهم نمودند، قدردانی نماییم. و دست دیگر همکاران محترم آن واحد، آقایان دکتر اسداللهی، دکتر شایگان، دکتر بهنام، و دکتر حسین جانزاده رانیز که محبت و همراهی ایشان، پیوسته مایه دلگرمی و آرامش ما بوده، به گرمی می‌فشاریم و از خداوند بزرگ برای همگی ایشان سعادت، سلامت و موفقیت آرزو مندیم.

مترجم

«نوگرایی در شعر معاصر عرب»^(۱) کتابی است که نگاه نقد ادبی مشرق عربی و به ویژه، لبنان را نسبت به این مسأله مشخص می‌کند و ارائه مفاهیم و مسائل و ابعاد و دلالتها و شیوه های این جریان را در فاصله سالهای (۱۹۲۰-۱۹۷۰) به شکلی خاص هدف قرار می‌دهد.^(۲)

علت تخصیص این محدوده زمانی در اهمیت تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و ادبی و هنری تبلور می‌یابد که همه کشورهای عربی و به ویژه، لبنان در طول این قرن و در پرتو ارتباط با اصول فرهنگی و تماس با جهان و تعامل فرهنگی و تمدنی با آن، شاهد آن بودند. حتی اگر بپذیریم که روابط اعراب با جهان از قرن بیستم فراتر می‌رود، وقایع مهمی که این قرن به خود دید؛ در آغاز، جنگ جهانی اول، سپس جنگ جهانی دوم و سرانجام، تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در نقشه عربی و تحکیم و تداوم روابط جهانیان که از نتایج این دو واقعه به شمار می‌آید، همگی، پیشرفت های چشمگیری را در عرصه های مختلف زندگی به دنبال داشت و سرزمین لبنان طی این مدت زمانی از بُعد فرهنگی محل تلاقی شرق و غرب شد و به سرچشمه و منبعی بدل گردید که رودهای جهان برای پیوستن به ذخایر گوناگون فرهنگ عرب به آن می‌ریختند.^(۳)

بالتبع، چنین دستاوردهای جدیدی در عمق گرایشهای دامنه دار ادبی گستره عرب جریانهایی را

(۱) - این مبحث، موضوع رساله دکتری مؤلف در رشته زبان و ادبیات عرب است که در تاریخ ۱۰/۲۹/۱۹۸۲ در دانشگاه قدیس یوسف دفاع شد.

- عنوان اصلی کتاب «الحداه الشعریه العربیه بین الابداع والتنظیر والنقد» (۱۹۷۰-۱۹۲۰) می‌باشد. (م)

(۲) - با هلم به این که این دوره به دوره قبل از ۱۹۲۰ به منظور دستیابی به میراث نقدی قدیم عرب وابسته است.

(۳) - منظور ادبیات و فرهنگهای ملت‌های بیگانه است که در طول تاریخ به علت‌های گوناگون و از راه‌های مختلف وارد

ادب و فرهنگ ملتی می‌شوند. (م)

سازمان بخشید که به تقلید، خواه از میراث قدیم و خواه از ره آورد دنیای بیگانه (خارج)، تکامل دستاوردهای اصول و سرچشمه‌ها و سرانجام، گذری ابتکاری فراتر از هر دو منبع منحصر می‌شد. براساس مباحث گذشته، اهمیت تعیین فرآیندهای جدید در گرایشهای ادبی و ضرورت تفکیک آنها از شیوه‌های سنتی قدیم، به منظور آگاهی از مراحل و دلالت‌های نوگرایی در آن فرآیندها برایمان شد. طبعاً، شعر حوزه گسترده‌تری را از نظر فراگیری شرایط جدید به خود اختصاص می‌داد، زیرا شعر هنری است که در برابر هر پدیده جدید و تازه، تحت تأثیر و تأثر بیشتری قرار دارد و به ویژه که علائم نوگرایی در شعر سریعتر از روند این پدیده در نثر فنی نمایان می‌شود.

از این رو، بحث و جدل پیرامون پدیده نوگرایی در شعر عرب از دهه‌های گذشته این قرن آغاز شده و همچنان با حدت در گستره ادبیات عرب و به ویژه لبنان ادامه دارد.

بر اساس مباحث پیشین و با در نظر گرفتن نقش حوزه ادبیات لبنان در حمایت از این پدیده با اقداماتی سازنده و فراهم ساختن شرایط مناسب به منظور تداوم و رشد این پدیده، و توجه به شعر به عنوان حوزه‌ای که نوگرایی در شعر را به رساترین شکل عرضه می‌کند و روابط آن را با ابعاد ملی و جهانی آشکار می‌سازد در خصوص تبیین نگاه نقد ادبی مشرق عربی نسبت به مساله نوگرایی شعر گام برداشتم.

اصول این تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی پدیده نوگرایی در شعر از دیدگاهی فردی (شخصی) نیست، بلکه بیشتر براساس بررسی بینش نقدی تعدادی از ناقدان نسبت به این قضیه، در چهار چوب زمانی محدود، از زوایای ابداع و نظریه پردازی و نقد می‌باشد.

از آنجا که چنین بینشی به برخی گرایشهای ادبی، مانند رمانتیسم و سمبولیسم و رئالیسم و... و مکاتبی با گرایشهای فنی و زیبایی شناسی و پیامدهای ایدئولوژیک مشخص و نامشخص تقسیم می‌شد، سعی کردم در حد امکان، دیدگاه هر منتقد را بر اساس رعایت گرایشهای اساسی نقدی که طی این فاصله زمانی محدود و در ارتباط با این موضوع به نقد ادبی لبنان جهت بخشیده است، بررسی کنم و در تقسیم بندی این نگرش نقدی به موضوعات شعری تکیه کردم که از عمده ترین مسائلی است که پدیده نوگرایی در شعر پیرامون آن می‌گردد و در این طبقه بندی، شیوه‌هایی اصولی (قانونمند) اتخاذ کردم؛ به عنوان مثال: رد تقسیم شعر تقلیدی (سنتی) به محتوی (مضمون) و قالب (شکل)، چرا که به عقیده من این دو اصطلاح،

واحد جدایی ناپذیری را در زمینه نص شعری، بعد از ابداع آن شکل می دهند و هرگونه فصل و جدایی بین آن دو، تنها، فرضیه ای است که مطالعه ادبی آنها را می طلبد. در نتیجه، آن دو، فقط دو اصطلاح عام هستند که به صورت غیر متجانس ترکیب شده اند که تفکیک پیوند و رابطه بین آنها و عرضه عناصر ادبی خاص هریک از آنها ضروری است.

و در تفکیک پیوند این دو اصطلاح تصمیم گرفتیم که در تعیین عناصر محتوی (مضمون)، عنصر عقلی (فکری) و عنصر عاطفی (وجدانی) و عنصر خیالی (صوری) را که در نقد ادبی رایج است در نظر نگیریم، چرا که تجزیه محتوای نص شعری به این عناصر ممکن است پیوند و وحدت و نقش نص شعری را که به عنوان اثری هنری در یک تجربه یا مجموعه ای از تجارب شعری تبلور می یابد، از بین ببرد.

از این رو، ترجیح دادیم که موارد زیر را جایگزین اصطلاح محتوی (مضمون) کنیم:
موضوع: اساس نص شعری است که در خلال آن، مجموعه ای از انواع زمینه های مختلف فکری و معنوی و عاطفی نهفته است.

تصور و دیدگاه (موضوع گیری): حالتی هستند که موضوع آنها را منعکس می سازد، زیرا نص شعری بر اساس موضوعی معین شکل می گیرد و هر موضوع، دیدگاه و تصویری را انعکاس می دهد و رابطه موضوع با دیدگاه و تصور، رابطه ای بحث برانگیز است؛ چرا که طرح هر موضوعی، برداشتی از اجتماع زندگی و هستی را به دنبال دارد و اینجاست که موضوع در قالب دیدگاهی متصورانه (خیال انگیز) که ابعاد آینده عوالمی جدید را مشخص می نماید ایفای نقش می کند. و اگر این دیدگاه از نگاهی عمیق به ابعاد گذشته و دستاوردهای معاصر شکل گرفته باشد شبیه تصور کاوشگری می شود که به کشف حقایق ابعاد آینده (چشم اندازها) و رموز آن می پردازد و برای عوالم جدید، قالبهایی تازه ترسیم می کند. اما، آنچه که قالب (شکل) نام گرفته، همان ابزار بیانی و شیوه و اقسام بیان است. از این جهت، عناصر قالب (شکل) را به مقوله های زیر اختصاص دادیم:

الف- موسیقی شعر، مصادر و انواع آن و هارمونی های القائی درونی و بیرونی که در قالب نوع جای می گیرند.

ب- انواع قصیده، وحدت آن، اشکال این وحدت و به خصوص وحدت موضوعی و عضوی^(۱)...

(۱) - (organic unity) ناقدان به اختلاف سلیقه، گاه آن را معماری قصیده و گاه طرح فکری و گاه طرح هندسی

و چگونگی شکل‌گیری هنری آنها.

ج- زبان شعری که بر مبنای بررسی کلمه در شکل بیانی آن و جستجوی شیوه‌های بیانی و به خصوص، روشهای تشبیه و انواع مجاز و تصویر شعری و ساختار رمز و اسطوره استوار است.

مجموع مسائل گذشته که به اصطلاحات قالب (شکل) و محتوی (مضمون) مربوط می‌شود در نص شعری نهفته است، اما به منظور بررسی آنچه به شعر، قبل از تکوین و در زمان شکل‌گیری و بعد از آن تعلق دارد و بر اساس اهمیت بررسی شعر در دو زمینه بیان و انتقال، قضیه تجربه شعری را مطرح کردم؛ چرا که قصیده، بخشی از تجربه‌های فردی است که از طریق تعامل آغازینش با شاعر و در نهایت با خواننده شکل می‌گیرد. و در کنار این مسأله، برخی مسائل فرعی را که با اصول این تجربه و پیوندها و مراحل آن وابستگی دارند و به خصوص، رابطه شعر با خواننده را ذکر کردم.

بر اساس چنین روشهای اصولی (قانونمند) که به زیبایی شعر و فنی (هنری) بودن آن توجه دارد و از نقش شاعر، به عنوان فردی که دیدگاهها و تصوراتی فردی نسبت به اجتماع و زندگی و هستی دارد، غفلت نمی‌ورزد به بررسی مسائل شعری جدیدی پرداختم که نگاه نقد ادبی لبنان نسبت به پدیده نوگرایی شعری در سلک آن به نظم در می‌آید.

و با توجه به اهمیت تبیین مفاهیم نوگرایی شعری که موضوع اصلی این مبحث است، کتاب را با مقدمه‌ای که مشتمل بر موارد زیر است آغاز کردم:

- مفهوم نوگرایی شعری

- نوگرایی شعری و ابعاد ملی و جهانی

اما در ابتدا و بر اساس این که نقد لبنان ریشه در میراث نقدی قدیم عرب و متابعی دارد که نتیجه تعاملهای متقابل و ارتباط با فرهنگهای جهانی و به خصوص، فرهنگ غربی می‌باشد به این شکل عمل کردم: در بخش اول که عنوان اصلی نوگرایی در شعر قدیم و جدید عرب را دارد این اصول و به خصوص، موارد پنهان آن را در بینش نقد عربی قدیم نسبت به مسأله نوگرایی شعر، به منظور دستیابی به نسبتی که با بینش نقد لبنان در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم نسبت به این قضیه دارد جستجو کردم. البته، این بخش به

نامیده اند؛ مقصود از این پدیده علاوه بر وحدت موضوع، وحدت و یگانگی احساسها و عواطفی است که موضوع آنها را برمی‌انگیزد که لازمه آن ترتیب و نظم صور و اندیشه هاست به گونه‌ای که قصیده به تدریج و به آرامی پیش رود تا به خاتمه‌ای که ترتیب افکار و تصاویر آن را ایجاب می‌کنند، منتهی می‌گردد. (م)

صورت مختصر و تنها شامل دو فصل است، زیرا مقدمه قسمت اصلی را که بخش دوم با فصلهای هشتگانه اش به آن اختصاص یافته، شکل می دهد.

در بخش دوم که موضوع اصلی بحث و اساس آن را شکل می دهد، نگرش نقد ادبی لبنان نسبت به موضوع نوگرایی در شعر مورد بررسی قرار می گیرد. این مبحث، هم مباحث نقدی جدیدی را که به نقد متن (درون) نص شعری تعلق دارد شامل می شود و هم آنچه در ورای نص شعری نهفته است، مانند ابعادی که در عملکرد بیان و انتقال و شرایط محیطی و عوامل مؤثر در توجیه این دو عملکرد و تأثیر آنها بازتاب دارد.

و در این بخش مسائل زیر بررسی می شود:

- ۱- قدیم و جدید
 - ۲- شعر چیست؟
 - ۳- نقد قصیده.
 - ۴- تجربه شعری
 - ۵- تصور و موضع گیری در شعر.
 - ۶- زبان شعر.
 - ۷- برنامه و وظایف نقد ادبی.
 - ۸- ارتباط با پیشینه فرهنگی و جهان و به خصوص با غرب
- و در قالب هر یک از این مسائل اصلی که فصلهایی به آنها اختصاص یافته، برخی مسائل فرعی درج شده که با موضوع اصلی و زمینه های ابداعی و نظریه پردازی و نقدی آن ارتباط دارد.

نگاهی به منابع و مراجع

بررسی جریان نوگرایی در شعر به عنوان پدیده ای تاریخی که ریشه در میراث عرب دارد، کشف این اصول را از منابع اولیه آن که در مراجع قدیم عرب نهفته است، ضروری می سازد. اما، ماده نقدی که نگاه نقد ادبی لبنان را نسبت به نوگرایی شعری از زوایای ابداع و نظریه پردازی و نقد در این برهه زمانی مشخص می کند، از تألیفات نقد ادبی و به خصوص، تألیفاتی که گرایشهای نقد ادبی را به طور کامل شرح داده استخراج کردم و زمانی که تبیین بینش کامل یکی از منتقدان بزرگ که

نظرات آنها موضوع اصلی بحث را تشکیل می دهد، برایم دشوار می نمود به برخی مقالات منتشر شده در مجله های ادبی مراجعه می کردم.

و از آنجا که برخی تألیفات نقدی لبنان بعد از سال ۱۹۷۰ انتشار یافت، سعی کردم در این مبحث به مطالعه آنها نپردازم به امید این که در آینده، بررسی این امر برایم میسر و ممکن شود، چرا که اتخاذ موضعی مخالف کافی است بابهایی را بگشاید که بستن آنها دشوار است. لازم به ذکر است که تألیفات منتقد، آنطوان غطاس کرم مستثنی است، زیرا تألیفاتی که قبل از سال ۱۹۷۰ از وی منتشر شده بود و در اختیار داشتم برای تبیین بینش نقدی او کافی نبود.

در پایان، امیدوارم این پژوهش به مطالعه نگاه نقد ادبی مشرق عربی نسبت به موضوع نوگرایی در شعر عرب کمک ناچیزی کرده باشد و مباحث جدید شعری مطرح شده خاستگاهی باشند برای بررسی و مطالعه این پدیده در سطح ملی از خلال مراحل زمانی متوالی آن و به خصوص، دوره بعد از جنگ جهانی دوم که دوره طلایی جریان نوگرایی شعر عرب به شمار می آید. و همین که سعی خود را مبذول داشتم قانعم می کند و خداوند به توفیق خود یاریم می رساند.

صیدا: آغاز سال ۱۹۹۳
خلیل ابوجهبه



مقدمه

این مقدمه به دو مبحث زیر می پردازد:
مفهوم نوگرایی و انواع آن
نوگرایی در شعر و ابعاد ملی و جهانی



مفهوم نوگرایی و انواع آن

(حدائث) از نظر لغوی به ریشه ثلاثی (ح دث) بر می گردد و در لغتنامه چنین آمده (حدث الشيء يحدث حدوثاً وحدائثه و احدثه فهو محدث و حديث)، استحدثه نیز همین گونه است. اما از نظر معنوی، حدث الامر، یعنی آن امر رخ داد و اتفاق افتاد و احدث الشيء، یعنی آن را ایجاد کرد و پدید آورد.

و حديث، ایجاد و خلق چیزی که وجود نداشته است. و حديث و محدث اشیاء جدید و تازه هستند. (۱) این شرح و تفسیر لغتنامه ای بیانگر این است که حدائث دلالتهای زیر را در بر دارد:

الف: دلالت زمانی، چون ضد قدمت و فرسودگی است و با زمان حاضر پیوند دارد.

ب: دلالت مکانی، ابتدای نوآوری اشیاء را ابتکاری اولیه و بی سابقه عنوان می کنند و این امر، جز با در نظر گرفتن موضع مکانی صورت نمی گیرد.

ج: دلالت ارزشی، زیرا شیء نو و مدرن، دارای ویژگی نو بودن و تازگی است، چراکه جدید، یعنی آنچه قبلاً نبوده و پیش از وقوع فعل حادث شدن، بدان چه اکنون وجود دارد، شبیه نمی شود، بنابراین، فعل حدوث، افزوده ای است بر آنچه موجود است و در عین حال فراتر از آن. ارائه تفاوتهای موجود بین مفاهیم معاصر، حدائث (حديث) و جدّه (جدید) بر این اساس ممکن و میسر است که معاصر، مفهومی است که دلالت زمانی دارد، یعنی هم زمانی و مقارن شدن دو پدیده یا دو حالت و یا دو فعل در موقعیت زمانی یکسان، اما حدائث (حديث)، خودش دلالت زمانی دارد، زیرا مقصود از آن، همه اشیاء و اموری است که قدیمی نیستند و زمانی که با شیء قدیمی مقایسه و سنجیده می شوند حکم ارزشی به دست می آورند، زیرا حدائث - چنان که گفتیم - ضد قدمت است.

و اما جدّه (جدید) دو دلالت بارز دارد نخست، دلالت زمانی، از این رو که نشان دهنده نهایت تجدد و تازگی است و دلالت دوم، دلالت فنی (هنری) است که بر اساس موارد مشابه قبل از آن استوار است. بنابراین، هر حدیثی جدید نیست، در حالی که هر جدیدی حدیث زمان خودش است؛ به این دلیل که جدید، معیار فنی (هنری) دارد که حدیث ضرورتاً متضمن آن نمی باشد.

بر اساس چنین نظری، جدید را در گذشته می بینیم، همان گونه که در زمان حاضر نیز وجود دارد و

(۱) - جهت اطلاع بیشتر ر. ک:

- معجم الفاظ القرآن الکریم: مجمع اللغة العربیة، المجلد الاول، ص ۲۴۰، ماده (ح دث). الهيئة العامة للكتاب بیروت.
- ابن منظور: لسان العرب، مجلد ۲، ماده (ح دث) ص ۱۳۱ - ۱۳۲، دارصادر، بیروت.
- الفيروز آبادی: القاموس المحيط، فصل الحاء باب الثاء، ص ۱۶۴، مؤسسه الحلبي و شرکاه للنشر والتوزيع - القاهرة.

حتی گاه ممکن است در گذشته موارد جدیدتری نسبت به زمان معاصر وجود داشته باشد. در نتیجه، جدید بر اساس ابتکار و فراتر رفتن و ارتباط دائم با آنچه که موجود است، شکل می گیرد.^(۱)

هر چند این تمایزات، تقدم اصطلاح (جده) را بر (حدائثه) نمایان می کند، اما اصطلاح اخیر (حدائثه) در زمینه ادبی، همواره پرکاربرد و فراگیرتر بوده و هست و گاه جنجالهایی نقدی بین دوره های قدیم و جدید که قدما و نوپردازان دو طرف آن هستند بر سر آن صورت گرفته است. اما بر اساس توضیح لغتنامه که قبلاً عنوان شد این اصطلاح ویژگیهایی شبیه به اصطلاح جده (جدید) دارد، بنابراین به اصطلاح حدائثه (نوگرایی) به خاطر کاربرد فراگیرش در زمینه های ادبی شعر و نثر استناد می کنیم به شرط آن که این اصطلاح از بعد مشخصه ها و دلالت های زمانی و فنی (هنری) و ارزشی با اصطلاح جده (جدید) مشابه باشد.

اما نوگرایی شعری مکتبی ادبی نیست که اصول و آرائی محدود و معین داشته باشد، بلکه جنبش و جریان نوآوری است که همواره با تحولات زندگی همراه است و به یک زمان خاص محدود نمی شود، زیرا هر تغییری که در زندگی ایجاد می شود می تواند نظر ما را نسبت به امور تغییر دهد و آن وقت «شعر با فاصله گرفتن از شیوه های قدیمی و معمول به بیان آن می پردازد».^(۲)

نوگرایی شعر، فرم و شکلی خارجی و اکتسابی نیست و به معنای صحیح و واقعی، به عنوان نتیجه «عقلی جدیدی که نگاهش نسبت به اشیاء متفاوت است و با نگاهی اصولی و واقعی به امور می نگرد و دریایی جدید انعکاس می یابد»^(۳)، پدیدار می شود.

بنابراین، می توانیم نوگرایی شعری را از نظر فنی (هنری) چنین تعریف کنیم: کندوکاوی اصولی است که «زبان شعر را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد، و گشودن افقهای تجربی است در راستای مهارت نگارش، و خلق شیوه های بیانی است در راستای این کندوکاو. و شرط احقاق تمام این موارد این است که از نگاهی شخصی و منحصر به فرد نسبت به انسان و هستی نشأت گرفته باشد».^(۴)

(۱) - جهت اطلاع بیشتر ر. ک:

- ادونیس: مقدمه للشعر العربی، ص ۹۹ - ۱۰۰ دارالعودة، بیروت، الطبعه الثالثیه ۱۹۷۸.

- ادونیس: مجله الطریق، سنه ۱۹۷۱، عدد: ۱، ۸۲، بیروت - لبنان.

(۲) و (۳) - یوسف الخال: الحدائثه فی الشعر، ص ۱۶ - ۱۷، دارالطلیعه للطباعه والنشر، بیروت، ط ۱، کانون الاول، ۱۹۸۷.

(۴) ادونیس: بیان الحدائثه، مجله موائف، الدوره ۳۶، شتاء ۱۹۸۰، ص ۱۴۲.

پار. ک: ادونیس: فاتحة نهایات القرن، (مباحثی راجع به فرهنگ جدید عرب) بحثهایی که در مجله موائف آمده در صفحه ۳۱۲ - ۳۴۰ این کتاب آمده است. دارالعودة - بیروت، ط الاولی، ۱ - ۳ - ۸۰.

نوگرایی شعری و ابعاد ملی و جهانی

مباحثه پیرامون مفاهیم نوگرایی شعر و مسائل و اقسام و شیوه ها و دلالتها و روابط آن با ابعاد ملی و جهانی کار آسانی نیست؛ برخی علل آن عبارتند از:

الف: شعر، گستره ای است که نوگرایی را تجسم می بخشد و دستاوردی بشری است که جاری و پویا و متجدد است و از تداوم و تکرار مسائل کنونی فراتر می رود تا پیوندی ناگسستنی و ابدی با میراث فرهنگی برقرار کند و همواره آن را غنای بخشد و شعر، اساساً ابعادی نظری دارد که به امور ناشناخته و مجهول و نامرئی و غیر مفهوم می نگرد و آنها را هدف قرار می دهد تا آینده را درنوردد و «از کنار ادبای نوپرداز عبور کند و فراتر رود، بدون آن که آنها را از مفهوم نوگرایی خارج سازد»^(۱).

ب: شدت یافتن کشمکش و رقابت بین مکاتب و مذاهب و گرایشهای ادبی که عقاید و نظراتی متعدد و متنوع دارند و همین مسأله باعث شده که هر مکتبی مدعی شود در روش خود، به امتیاز مطلق مشخصه های نوگرایی دست یافته و در نتیجه، هر گونه مظهر تجدد و نوگرایی را از دیگری نفی کند.

ج: ارتباط نوگرایی ادبی - شعری و نثری - و مفاهیم و مسائل آن با کشمکشهای سیاسی و اقتصادی و تمدن و فرهنگ که بر محور عرصه جهانی می چرخد به گونه ای که کشورهای جهان سوم یا کشورهای در حال توسعه را با تهاجم فرهنگی امپریالیسم روبه رو می کند، این تهاجم، هویت ملی این کشورها را در تمام ابعاد و به خصوص در بعد فرهنگی غارت می کند و باعث بیگانگی و آشفتنگی و تیرگی هویت فرهنگی ملی آنها می شود و این مسأله، هویت ملی را از تکامل و تحول طبیعی دور می سازد و آن را پست و بی ارزش می کند و روابطش را با اصول فرهنگی قطع می کند و در ضمن مجموعه ای که چهار چوب مکانی و ابعاد زمانی محدودی دارد، آن را با شیوه های تحول زیر بنایی نا آشنا می کند و به این ترتیب، گرایشهای ابتکاری و قابلیتهای اکتشافی خود را به سمت تصورات و رویاهای آینده نگری که با داده های واقعی جریان زندگی همخوانی ندارند سوق می دهد.

به این ترتیب، نوگرایی با اقسام و انواع متنوعش و به خصوص، نوگرایی شعری به موضوعی

(۱) - جهت اطلاع بیشتر ر.ک:

- حسام الخطیب: ملامح فی الادب والثقافه و اللغه، ص، ۱۲ - ۱۳، منشورات وزارة الثقافه و الارشاد القومي دمشق، ۱۹۷۷.

- عزالدین اسماعیل: الشعر العربی المعاصر، قضایاه و ظواهره الفنیة و المعنویة، ص: ۹ - ۱۳، دارالعودة، بیروت دارالثقافه الطبعة الثالثة سنة ۱۹۸۱.

سرنوشت ساز در حیات یک ملت تبدیل می شود که حل آن، اطلاع دقیق از دستاوردهای گذشته میراث فرهنگ و تمدن و اشراف کامل به مکنونات فعلی و موجود آن ملت را ایجاب می کند و به این ترتیب، به سمت شناخت نظری ابعاد آینده گرایش پیدا می کند، از آن نظر که بر میراث کهن می افزاید و از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب گذر می کند. و این جریان با مراعات هماهنگی با قوانین تحول طبیعی در (عرصه) اجتماع و سیاست و اقتصاد و فرهنگ واقع می شود.

برخلاف مشکلاتی که عنوان شد، مباحثه پیرامون نوگرایی ادبی - شعری و نثری - امری ممکن، بلکه واجب است که روند پژوهشی ادبی را ایجاب می کند که براساس توجه به نشانه های نوگرایی در ابعاد زمانی گذشته و حال و سعی در شناخت شیوه ها و قالبها و مضامین جدید، سپس طرح آنها به عنوان برنامه های آینده این زمینه استوار است، جدای از این که این برنامه ها، ثبات و پذیرش قطعی و یافرمهایی مشخص را به همراه داشته باشند، زیرا این امر، در گرو متبلور شدن برنامه ها در آثار ادبی جدید می باشد. بر پایه آنچه پیشتر بیان گردید ملاحظه می کنیم که مظاهر نوگرایی و دلالت های شعری و غیر شعری آن از ملتی به ملت دیگر تغییر می کند، زیرا هر ملتی، تاریخ و روابط و میراث فرهنگی خاص خودش را دارد و در اجتماع ملی و به خصوص در بعد فرهنگی و شاخه های آن، مانند فنون شعری و نثری و . . . مراحل مشخصی از تحول را در زیر بنا و روبنای معاصر دارد.

هر چند ظهور پدیده های نوگرایانه و دلالت های آن با دستاوردهای ملی و ابعاد زمانی ارتباط اصلی و اولیه را دارند اما تأثیر و تأثری که در اثر کنش و واکنشها و رویارویی فرهنگ و تمدن ملل حاصل می شود - چه با انگیزه توافق و پذیرش مستقیم و غیر مستقیم بین دو طرف، یا نتیجه عواملی جبری که طرف غالب، مغلوب را وادار می کند که مقلد و تابع او شود - جنبشهای ادبی جدیدی را پدید آورد که ابعادی جهانی داشت و به یک ملت وابسته و محدود نبود، بلکه حرکت می کرد و تداوم می یافت تا دنیایی از ملل مختلف را در برگیرد و این جریانها به ظهور مکاتب و گرایشهای ادبی رمانتیسم، سمبولیسم، رئالیسم، سوررئالیسم، اگزیستانسیالیسم، . . . منتهی شد. به گونه ای که این جنبشها در اولین خاستگاه ظهور خود و تحت تأثیر قوانین تحول طبیعی و واقعی برای جوامع خود، مسائل ادبی جدید شعری و نثری را به دنبال داشتند.^(۱) و غالباً این مسائل به الگوهای نوگرایی تبدیل شدند که در نواحی مختلف دنیا، صرف

(۱) - جهت اطلاع بیشتر ر. ک:

فیلیپ فان تیفیم: المذاهب الادبیه الکبری فی فرنسا، ص ۸۳-۱۳۹، ۱۵۴-۱۶۴، ۱۹۲-۲۱۸، ۲۳۶-۳۱۹ ←

نظر از خاستگاهی که از آن شکل گرفته بودند، از آنها تقلید می‌شد. به همین دلیل، بسیاری از منتقدان سعی داشتند که عناصر اصلی مفهوم نوگرایی ادبی را که در حدود هیچ مکتب و گرایش ادبی به تنهایی جای نمی‌گرفت تفکیک کنند. به عنوان مثال به عناصر اصلی زیر اشاره می‌کنیم:

۱- صداقت

۲- طرد و انکار

۳- محور قرار دادن وجدان انسان و عالم درونی او

۴- درك مسأله سرنوشت انسانی

۵- درد و رنج جدایی و غربت روحی

۶- نسبیّت و رهایی از قواعد. (۱)

این موارد، شرح روشنی از مفاهیم نوگرایی در تجربه شخصی و مرارتها و مشقتهای ادیب - شاعر یا نثر نویس - و تصورات و دیدگاههای حاصل از آن ارائه می‌دهند. و با علم به این مسأله که نوگرایی محتوی، باعث ایجاد نوگرایی قالب (شکل) می‌شود و قالب از محتوی اهمیت کمتری ندارد به نوگرایی قالب از حیث رابطه اش با نسبیّت علمی و منحصر شدنش به رهایی از قواعد، اشاره ای مجمل می‌کند. بنابراین، نادیده گرفتن فرآیند عملکرد متقابل ادبیات ملی و ادبیات عمومی جهان و اهمیت آن و کنش و واکنشهای آن بعد از گسترش و توسعه عوامل ارتباط و مقابله مستقیم و غیرمستقیم و گشایش راههای ارتباطی فرهنگی و تمدن از طریق رسانه ها و وسایل ارتباطی سمعی و بصری و تحکیم پیوند تمام ملتهای جهان که سرنوشت یکسان و مسائل مشترك آنها را به هم پیوند می‌دهد، ممکن نیست.

و مسلم است که هیچ جنبش ادبی و تمدنی و ... به شکوفایی و تکامل نمی‌رسد مگر در سایه تأثیرپذیری از یک جنبش بیگانه (خارجی)، که این اثر پذیری در آغاز، فرم تقلیدی دارد و زمانی که هویت این جنبش کامل شد و اصالتش را به دست آورد عناصری جدید و نویر میراث قدیم می‌افزاید.

مطالعه تاریخ قیام ملتهای جهان هم این مسأله را به اثبات می‌رساند. چنانچه مشخص است از جمله

→

ترجمه فرید انطونیوس، سلسله زدنّی علما منشورات عویدات، بیروت، باریس، ۱۹۸۰.

- ر. م. البیریس: الانجاءات الادبیه الحدیثه، ص: ۱۱-۴۶، ۱۲۵-۱۶۸، ترجمه جورج طرابیسی، سلسله زدنّی

علما منشورات عویدات، بیروت باریس، ۱۹۸۰.

(۱) حسام الخطیب: ملامح فی الادب والثقافه واللغه، ص، ۱۲-۱۴.

عوامل نهضت عربی در دوره عباسی، عملکرد های متقابل عمیق فرهنگ ملل فارس و هند و یونان و ... بود. اروپا در قیام بزرگ خود از نتایج قیام عربی عباسی^(۱) در اسپانیا استفاده کرد و تاریخ جدید نشان می دهد که جنبش جدید (اخیر) عربی، تنها در سایه واکنش و تماس با تجربه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جهانی شکل می گیرد، البته به شرط حفظ اصالت فردی و ملی و باز نکردن آغوش در برابر فرهنگ بیگانه به صورتی نا آگاهانه که به فاصله گرفتن از واقعیت زندگی و سلب هویت ملی و وطنی منجر می شود، به خصوص که اصالت در دو بعد فردی و ملی، «قابلیت بهره وری از موقعیتهای مناسب خارج از حیطه فردی است تا از طریق گسترش امکانات فردی، شخصیت و هویت ارتقاء یابد» و شخصیت فرد و ملت نمی تواند ارتقاء یابد و به بالاترین درجات کمال برسد مگر از طریق واکنش های داخلی و خارجی با دیگران و کسب عقاید و نظرات مفید آنان.^(۲)

واضح است که نتیجه مقاومت در برابر تأثیر و تأثر بین فرهنگ و تمدن ملل، و در مقابل زیان و ضرر حرکت بی حد و حصر و متهورانه به سمت این واکنشها و به خصوص در حیطه ادبی، به پیمودن مسیری متعادل و میانه می انجامد که از یک سو بر اساس شناخت اصول فرهنگی ملت تأثیرپذیر و احترام به جریانهای سلیقه ای آن و پیوند با حقایق و مسائل آن استوار است و از سوی دیگر، آمادگی برای تعامل افکار جدید مفید در هر کجای عالم که باشد، و سپس، مبادله تجربه های هنری جهانی در زمینه های قالب و تکنیک را ایجاد می کند.^(۳)

بنابراین، مشخص می شود که درك تمام مطالب از پیش گفته، سپس، اجرای آنها به شکل ابتکاری و با شور و اشتیاق، ابزار مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه را ایجاد می کند، و می تواند این تهاجم را به عامل مؤثری تبدیل کند که ملت از آن در راه رفع نیازهای فرهنگی و تمدن خود بهره می جوید.

(۱) - یکی از دانشمندان غربی معتقد است که نهضت عربی عباسی، دنیا را در قرون وسطی نجات داد. ر.ك: جورج سارطون: الثقافة الغربية في رعاية الشرق الاوسط، ص: ۱۰۸، ترجمه عمر فروخ، منشورات المكتبة التجارية، ط ۲، بیروت ۱۳۸۳ هـ ۱۹۶۳ م.

(۲) - برای اطلاع بیشتر ر.ك: محمد غنیمی هلال: الادب المقارن ص: ۱۰۶ - ۱۰۷، دار الثقافة و دارالعودة، بیروت، ط ۵.

- محمد مفید الشوباشی: رحله الادب العربی الی اورپیا، ص: ۱۲، ۹۰ دارالمعارف بمصر مکتبه الدراسات الادبیه رقم ۴۷، القا ره ۱۹۶۸، لا ط.

- حسام الخطیب: ملامح فی الادب والثقافه واللغه، ص: ۴۷.

(۳) - حسام الخطیب: ملامح فی الادب والثقافه واللغه، ص: ۴۶-۴۷، تذکر: مؤلف این نظر را در فصل مربوط به واکنش ادبیات عربی با ادبیات جهانی ذکر کرده، اما به موجب این بحث تاگزیر شدیم که جنبه نظری کلی آن نظر را بیان کنیم.

هر چند که در این بحث، رابطه نوگرایی شعری را با بعد جهانی شرح دادیم، اما متذکر می شویم که این نوگرایی، فرد را با دوچالش مهم رو به رو می کند:

الف: تهدید اول به حدود زبان- ابزار از جهت قواعد و اصول گذشته و حاضر وابسته است.

ب: خطر دوم به شیوه های بیانی قدیم که در میراث ادبی دنبال می شده برمی گردد.

بر اساس این دو چالش، اصالت کسانی که پرچم نوگرایی را به اهتزاز در آوردند و آثار ابتکاری آنها تبلور یافته، مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد، زیرا نادیده گرفتن زبان- ابزار، قواعد و اصول بدون بلوغ فکری و تأمل و مهارت و درک و فهم، مخالفت و ورزیدن و تعارض با سبکهای شعری سنتی ممکن است. شعر جدید بدون مفهومی را به خوانندگان آن زبان عرضه کند که در میراث ادبی آن جایگاهی ندارد.

اما، شیوه صحیح در فرایند چالش زبان و سبکهای شعری گذشته (سنتی)، تسلیم بی چون و چرا شدن در مقابل آن نیست که در اثر آن، نوگرایی شعری مجوز وجود و پیدایش خود را از دست بدهد، همچنین اعراضی کلی نمی باشد که در پی آن، جنبش و جریان شعری جدید، بیهوده و بی ارزش جلوه کند و هیچ جایگاهی در زبان نداشته باشد. و به اقرار می توان گفت «شاعر اصیلی که قواعد و اصول زبان و مبانی سبکهای شعری مؤثر و ریشه دار در تاریخ ادبی آن زبان به او عرضه می شود همان وقت، در راستای تسلیم شدن در برابر قواعد و سبکها به قدر کافی خود را آزاد می گذارد و از شخصیت و هویت خود در آن می دمد»^(۱).

جریان نوگرایی شعر ناگزیر است با گنجینه فرهنگ ملی که ابزار گویش و ماده نگارش و سبکهای شعری آن بر اساس زیربنای فرهنگی شکل می گیرند، پیوندد که به این جریان و جنبش، اجازه گذر و رشد می دهد نه هماهنگی و تسلیم شدن، زیرا تصورات خلاق شعری، نه تنها ارزشها و قواعد را کامل می کنند، بلکه از طریق پیوندها و روابطی ابتکاری که فراتر رفتن و تجدید در آن متجلی است در اغنای آنها می کوشند، «زیرا نشان تجدد در اثر شعری، توان و قابلیت دگرگون سازی آن است که در میزان تمایزات و ارتباط و پیوند، در پشت سر نهادن آثار گذشته و میزان غنا بخشیدن آن به حال و آینده متجلی است»^(۲).

(۱) - یوسف الخال: الحداثه فی الشعر، ص، ۱۸ - ۲۱

(۲) - ادونیس: مقدمه للشعر العربی، ص ۹۹ - ۱۰۲

با استناد به مباحث قبل، نوگرایی شعری اصالتی متمایز و در عین حال موافق و سازگار دارد؛ متمایز از جهت قابلیت سازگاری با پیشرفت تمدن و ترقی، و سازگار از حیث اساس وثبات و ویژگی. (۱)

بنابراین، ارتباط با اصول فرهنگی باید متعادل باشد زیرا «جدایی مفرط از میراث زبان مانوس شاعر، مرگ و نیستی است، محو شدن همچون دود است در مقایسه با آتش و شعله آن. ارتباط مفرط نیز مرگ و نیستی است و جمود همچون سنگ است». (۲)

بنابراین، گرایش نوگرایی شعری به سمت بهره برداری از ادبیات جهانی بدین معنا نیست که هم شکل و همانند آن شویم و مقلد تام ادبیات جهان وبه ویژه غرب باشیم، زیرا ثمره آن، سلب هنر هویت ملی و تقلیدی ناپسند از آثاری ادبی است که در فضایی دور از ما و بیگانه با دستاوردهای تمدن و فرهنگ ما شکل گرفته اند. (۳)

(۱) - ادونیس: بیان الحداثه، مواقف، عدد: ۳۶، شتاء ۱۹۸۰، ص ۱۴۷

(۲) - همان، ص: ۱۴۶ - ۱۴۷.

(۳) - همان، ص: ۱۳۶ - ۱۳۷.